

بسم الله الرحمن الرحيم

به مناسبت ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار

## تداوم سلطه‌گری آمریکا در قبال ملت ایران

### و ضرورت تداوم استکبارستیزی

#### چکیده

۱. آن گونه که تاریخ سلطه‌گری آمریکا نشان می‌دهد، این کشور از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون برای سلطه بر جهان، در برابر کشورهای که حاضر به پذیرش سلطه آن نشده‌اند، با شیوه‌های مختلفی همچون استفاده از سلاح هسته‌ای، جنگ شناختی، انقلاب رنگین، حمله نظامی، تحریم، شبکه‌سازی اجتماعی و جنگ ترکیبی برخورد کرده است.

۲. منشأ آشوب‌های کنونی در ایران را بایستی در به بن‌بست رسیدن راهبرد کنترل (مهار) ایران دید. به زعم آمریکایی‌ها پایه‌های تحقق راهبرد مهار ایران عبارت‌اند از: ضعف ایران در حوزه‌های راهبردی بویژه حوزه توانایی‌های

راهبردی دفاعی، تحریم و توافق (برجام)، نخبگان معتقد به نگاه به بیرون برای حل مشکلات کشور و یک‌جانبه‌گرایی غرب محور در روابط و سیاست خارجی. به نظر می‌رسد که غرب هم‌اکنون با رویکرد تحولی دولت جدید در حال از دست دادن تمامی این عوامل در قبال ایران است. بنابراین، آنها برای تحقق هدف کنترل ایران، بر دینامیسم‌ها و تحولات بی‌ثبات‌ساز داخلی متمرکز شده‌اند.

۳. مهمترین شگردهای دشمن در آشوب‌های کنونی عبارت‌اند از: تمرکز بر علایق نسبتاً عمومی، استفاده از تاکتیک جاذبه ترس، موج‌سواری بر هیجان و احساسات جوانان، تمرکز بر مناطق مرزی به منظور تعارضی کردن شکاف‌های اجتماعی در این مناطق، تمرکز بر اختلاف‌افکنی‌ها و دوگانه‌سازی‌ها، ذره‌ای و فرسایشی کردن آشوب‌ها، تلاش برای کسب حمایت‌های بین‌المللی و استفاده از فشارهای مکمل سیاسی.

۴. دشمن در این آشوب‌ها بیش از هر چیزی درصدد ادراک‌سازی و درواقع، کانالیزه کردن ادراکات عمومی و نخبگی در ایران است؛ بدین ترتیب که با فشار عملی (آشوب) در کنار فشار اقتصادی و روانی (جنگ شناختی) درصدد است تا این باور را در ناخودآگاه ذهن ایرانیان حک کند که «جمهوری اسلامی به پایان خط رسیده و دیگر نمی‌تواند چشم‌انداز روشنی را برای ملت ایران رقم بزند».

۵. دشمن با تداوم آشوب‌های ذره‌ای و فرسایشی کردن آنها درصدد است تا باور به سرنگونی و پایان کار نظام را نزد مردم تقویت کند. از این طریق دشمن درصدد است تا از یک سو نیروهای مدافع نظام را دچار انفعال کند و از سوی دیگر، اپوزیسیون منفعل را فعال و امیدوار کند که اگر پای کار براندازی بیابند، می‌توانند کار نظام را یکسره کنند. بنابراین، با به صحنه آمدن مردم و دمیدن در «مارپیچ سکوتی» که دشمن ایجاد کرده است، باید تلاش شود تا به دشمن اثبات شود که مردم ایران نه با او همراهی می‌کنند و نه دچار تغییر محاسباتی و انفعال می‌شوند.

۶. در همین راستا ضمن دقت در حفظ انسجام و اقتدار نیروهای انقلابی و ارزشی، بایستی این اطمینان ایجاد شود که جمهوری اسلامی ناتوان از برخورد با آشوب‌گران نیست، اما کل راه‌حل مواجهه با این آشوب‌ها، سرکوب نیست؛ زیرا بخش عمده این آشوب‌ها ماهیت فتنه‌گون و روانی دارد و بایستی پرده‌ها کنار رود تا آنگاه خود مردم بساط آشوب‌ها را جمع کنند؛ راهبردی که به نظر می‌رسد در حال به بار نشستن است.

# تداوم سلطه‌گری آمریکا در قبال ملت ایران

## و ضرورت تداوم استکبارستیزی

### مقدمه

۱۳ آبان یادآور سه حادثه مهم در تاریخ تحولات معاصر ایران است؛ ۱۳ آبان ۱۳۴۳، سالروز دستگیری امام خمینی(ره) توسط رژیم شاه به دلیل افشاگری علیه تصویب قرارداد ننگین کاپیتولاسیون و مستعمره‌سازی ایران؛ ۱۳ آبان ۱۳۵۷، سالروز اعتراض دانشجویان و دانش آموزان به رژیم شاه در دانشگاه تهران و ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران؛ با یک نگاه تحلیلی می‌توان گفت فصل مشترک هر سه مناسبت، مداخله توطئه‌آمیز آمریکایی‌ها در امور ایران و اهتمام متحدانه ملت ایران برای مقابله و مبارزه با اقدامات آمریکایی‌ها از طریق بازگشت به اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی است که دشمنان در طول تاریخ از حاکمیت اسلام ناب محمدی واهمه و ترس داشته و دارند. از این رو، می‌توان گفت ۱۳ آبان اولی زمینه‌ساز وقوع انقلاب اسلامی شد، دومی پیروزی انقلاب را تسریع کرد و رخداد سوم،

زمینه‌ی تثبیت و استمرار انقلاب اسلامی در قالب تاسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی را فراهم کرد.

اما در این میان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، به دلیل اثرگذاری آن بر روند تحولات بعدی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حرکت از یک سوابهت پوشالی آمریکا را در هم شکست و از سوی دیگر پژواک فریاد مظلومیت و آزادگی مردم مسلمان ایران در سرتاسر دنیا بود. این حرکت تا بدانجا حائز اهمیت بود که امام خمینی(ره) آن را «انقلاب دوم» و انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند.

مبتنی بر این پیشینه است که روز ۱۳ آبان به «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» نام‌گذاری شده است تا هم این یوم الله پاس داشته شود و هم با توجه به پایان‌ناپذیری توطئه‌های استکبار، پیوسته لزوم هوشیاری در برابر آن و مبارزه با آن فراموش نشود. در تأیید و تصریح این موضوع باید اشاره کرد که بررسی بیش از چهار دهه حیات جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد که در هیچ برهه‌ای استکبار دست از توطئه علیه دولت و ملت ایران برنداشته است، به گونه‌ای که هم اکنون نیز با تمرکز بر جنگ ترکیبی (با تأکید بر جنگ شناختی و ایجاد آشوب در کشور)، در تلاش است تا جمهوری اسلامی ایران را به اسارت تسلیم و تبعیت از خود بکشاند.

در متن حاضر تلاش می‌شود تا ضمن اشاره به شیوه‌های مختلف سلطه‌گری آمریکا و ماهیت آشوب‌های استکبارساخته اخیر در ایران که در تداوم خصومت‌ورزی‌های آن با دولت و ملت ایران قرار دارد، شیوه‌های مقابله با این آشوب‌ها (با تأکید بر نقش مردم) نیز مورد بررسی قرار گیرد.

## راهبردهای سلطه‌گری آمریکا

آنگونه که تاریخ سلطه‌گری آمریکا نشان می‌دهد، این کشور از زمان جنگ دوم جهانی تا کنون برای سلطه بر جهان، در برابر کشورهای که حاضر به پذیرش سلطه آن نشده‌اند، با شیوه‌های مختلف مواجه شده است. در واقع، مهمترین شیوه‌های مواجهه سلطه‌گرانه آمریکا برای تسلیم سایر کشورها در برابر خود به شرح زیر است:

۱. **استفاده از سلاح هسته‌ای:** این مورد را آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم برای در هم شکستن مقاومت ژاپن به کار برد.

۲. **جنگ شناختی:** این شیوه اگرچه به طور دقیق و کامل در قبال اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ۹۰ میلادی به کار گرفته شد، اما آمریکا بارها آن را در قبال کشورهای دیگر از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز به کار بسته است. در ارتباط با اتحاد شوروی به طور دقیق باید گفت که آمریکا در

مواجهه با این کشور با تمرکز بر بن‌بست‌نمایی و بی‌اعتبارسازی توانست آینده‌ای تیره و تاریک برای شهروندان شوروی در صورت ابقای نظام کمونیستی حاکم ترسیم کند. در این زمینه، آمریکا در سه سطح علیه شوروی وارد اقدام شد:<sup>۱</sup>

۱،۲. **نفوذ در عموم مردم:** در این راستا، سازمان سیا در ۱۹۵۰ نهادی با نام «کنگره آزادی فرهنگی» تشکیل داد. این کنگره بیش از ۲۰ مجله پراوازه منتشر می‌کرد؛ نمایشگاه‌های هنری برگزار می‌کرد؛ صاحب یک سرویس خبری و سینمایی بود؛ کنفرانس‌های توجه‌برانگیز بین‌المللی را سازماندهی می‌کرد و با جوایز و اجراهای عمومی به موسیقی‌دانان و هنرمندان پاداش می‌داد. در واقع، سیا با تاسیس این واحد سعی کرد به تخریب افکار و ساختارهای کمونیستی از درون بپردازد. در همین زمینه، بیش از ۱۰۰ نویسنده در کنگره آزادی فرهنگی حضور داشتند که وظیفه آنها، تألیف کتاب‌های متعدد برای دفاع از دموکراسی غربی و حمله به مبانی فکری کمونیسم و شوروی بود. نهایت اینکه؛ آمریکا با استفاده از همین روش‌ها چنان تحولی را در مردم شوروی

---

۱. ر.ک: مصطفی برزکار، «راهبرد نفوذ در مواجهه آمریکا و شوروی»، فصلنامه مطالعات

سیاسی روز، سال پانزدهم، شماره ۵۴.

ایجاد نمود که نگاه‌های بدبینانه به اندیشه‌های کمونیستی در نسل‌های جدید شوروی ایجاد شده بود، نگاه‌هایی که آن را باید نتیجه تبلیغات آمریکایی‌ها در ترویج فرهنگ سرمایه‌داری و تضعیف اندیشه‌های کمونیستی از یک طرف و ظهور اندیشمندانی دانست که به سرمایه‌داری متمایل شده و در درون حزب کمونیست خواستار تجدیدنظرهای جدیدی بودند.<sup>۲</sup>

**۲،۲. نفوذ در بین نخبگان شوروی:** در این راستا، سیا بیش از هفت نهاد عمده برای تأثیرگذاری بر نخبگان شوروی تأسیس کرد.

**۲،۳. نفوذ در سیاسیون و دولتمردان:** در اینجا نیز چند روش عمده را به کار بستند از جمله، حمایت از سیاستمداران غرب‌گرا، جلب اعتماد دولتمردان شوروی از طریق مذاکره و ایجاد تردید در موفقیت سیستم‌های تصمیم‌گیری کمونیستی.

حاصل این عملیات پیچیده، تضعیف حمایت از کمونیسم و قطع امید از این امر بود که تداوم نظام کمونیستی می‌تواند به نفع مردم شوروی باشد. در این زمینه، فوکویاما می‌نویسد: «شوروی از زمانی فروپاشید که دیگر حمایت

---

<sup>۲</sup>. ر.ک: فرانسیس ساندرز (۱۳۸۳)، جنگ سرد فرهنگی: سیا در عرصه فرهنگ و هنر،

تهران: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی



درونی از آن وجود نداشت، ایده کمونیسم در اذهان مردم ضعیف شده بود و تعداد زیادی از شهروندان شوروی دیگر آن را مفید نمی‌دانستند». بررسی‌ها نشان می‌دهد که تحت تاثیر همین القائات جنگ روانی و تبلیغاتی غربی‌ها علیه ایده، ساختار و کارگزاران نظام کمونیستی، دست کم آخرین نسل از شهروندان شوروی سابق دیگر هیچ باوری به مارکسیسم - لنینیسم نداشتند و این مسئله در میان نخبگان شوروی بیش از سایرین مشهود بود.

**۳. انقلاب‌های رنگین:** کانون وقوع این انقلاب‌ها بر جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد شوروی متمرکز بود. در واقع، آمریکا برای نفوذ در «خارج نزدیک و محیط امنیتی روسیه» تلاش کرد تا با نفوذ در بستر انتخابات و به بهانه وقوع تقلب در انتخابات، بدنه اجتماعی غرب‌گرا را با نخبگان غرب‌گرا پیوند داده و آنها را اکثریت جلوه داد تا بتواند نظام حاکم را در برابر خواسته‌های آمریکا و غرب‌گرایان داخلی به تسلیم وادارد. این شیوه در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همچون گرجستان، قرقیزستان، اوکراین و... با موفقیت همراه شد و توانست منجر به روی کار آمدن گزینه‌های طرفدار غرب در این کشورها شود.

**۴. حمله نظامی:** راهبرد ساختن یک دشمن فرضی نیرومند به عنوان تهدیدی برای امنیت و منافع سلطه‌گران، راهبردی است که بعد از جنگ جهانی دوم بویژه از سوی آمریکا مورد توجه قرار گرفت. در این چارچوب، ابتدا آمریکا، اتحاد شوروی و کمونیسم را دشمن فرضی خود قلمداد کرد و با از میان رفتن کمونیسم، تروریسم و بنیادگرایی (اسلامی) به عنوان دشمن فرضی آمریکا قلمداد شد که نتیجه آن، حمله نظامی آمریکا به افغانستان و سپس عراق بود. نکته مهم در این میان آن است که آمریکا از این طریق تلاش کرده است تا با دشمن‌سازی، هم انسجام داخلی ایجاد کند و هم بهانه‌های لازم برای توجیه جنایت‌های خود، شبیه آنچه در عراق و افغانستان در زندان‌هایی مانند گوانتانامو و ابوغریب و... انجام داد، دست و پا کند.<sup>۳</sup>

**۵. تحریم:** نظام سلطه به سرکردگی آمریکا در بکارگیری همه ابزارها و شیوه‌های ممکن برای سلطه‌گری هیچ محدودیتی قائل نیست، به گونه‌ای که هم‌اکنون با استفاده از تحریم اقتصادی به عنوان یک اسلحه تلاش می‌کند تا کشورهای دیگر را به تسلیم در برابر خود وادارد. جمهوری اسلامی ایران،

---

<sup>۳</sup> ر.ک: جواد منصوری (۱۳۸۵)، استعمار فرانسه (نظام سلطه در قرن بیست و یکم)، تهران:

کره شمالی، روسیه، چین، لیبی و... کشورهایی هستند که از سوی آمریکا مورد تحریم قرار گرفته‌اند.

## ۶. شبکه‌سازی اجتماعی: در این روش، که متأثر از توسعه شبکه‌های

اجتماعی مجازی ایجاد شده است، قدرت‌های سلطه‌گر تلاش می‌کنند تا در بستر شبکه‌های اجتماعی، تمامی افراد و عوامل متمایل به پذیرش و ترویج فرهنگ، ارزش‌ها و سبک زندگی غربی را به هم مرتبط کرده تا در بستر این شبکه‌ها با فعالیت مستمر و استفاده از ترفندهایی چون «هشتگ‌سازی»، خواسته‌ها و دیدگاه‌های خود را به عنوان خواسته و دیدگاه غالب و بلکه اکثریت جامعه جلوه دهند. هدف از این شبکه‌سازی نیز آن است که سیاست‌مداران را تحت تأثیر قرار داده و با فضاسازی، اجازه ندهند هیچ اقدام و عملی برخلاف میل آنها انجام شود.

در سطحی فراتر از آنچه درباره شبکه‌سازی اجتماعی گفته شد، سلطه‌گران در جریان این شبکه‌سازی می‌کوشند تا با اتصال و انسجام نیروهای واگرای داخلی، جنبش‌های معارض، فعال‌سازی تنش‌های قومی و قبیله‌ای و مذهبی

و... آنها را در مقابل نظام حاکم بسیج کنند.<sup>۴</sup> به عبارتی، سلطه‌گران با ابزار شبکه‌سازی می‌کوشند تا شبکه‌ای از مخالفان نظام حاکم در کشور هدف ایجاد کنند تا به نیابت از آنها، در مواقع لازم، در کشور هدف برای ایجاد تحولات موردنظر، وارد صحنه شوند. تحولات سال‌های اخیر عراق، لبنان و ایران ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و همچنین اغتشاشات و آشوب‌های اخیر (شهریور و مهر ۱۴۰۱) را می‌توان در این قالب تحلیل کرد.

**۷. جنگ ترکیبی:** این جنگ شامل استفاده هم‌زمان از همه شیوه‌های پیش‌گفته (به استثنای جنگ هسته‌ای) است که آمریکا هم اکنون در برابر جمهوری اسلامی ایران بر آن متمرکز است. آمریکا، رژیم صهیونیستی و اذنانب منطقه‌ای آنها که از براندازی نظام اسلامی و تغییر رفتار آن ناامید و مایوس شده‌اند، در این مقطع به دنبال مهار و کنترل ایران از طریق بی‌ثبات‌سازی داخلی و مانع‌تراشی بر مسیر رشد و پیشرفت سریع کشور هستند. از این رو، با بهره‌گیری از جنگ ترکیبی و به خدمت گرفتن تمام مهره‌ها و برگه‌های خود به مثابه جنگ احزابی مدرن به مصاف جمهوری اسلامی آمدند. رهبر

---

<sup>۴</sup> ر.ک: مانوئل کاستلز (۱۳۹۵)، شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت،

ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: مرکز

حجت کاظمی (۱۳۹۵)، «سیاست دیجیتال و تباهی سیاسی در دولت‌های ضعیف: تجربه

انقلاب‌های عربی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۳، صص ۷۲۶-۷۰۹

معظم انقلاب در روز دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ در بیاناتی در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در دانشگاه امام حسن مجتبی (ع) فراجا به طور مفصل به بررسی ابعاد مختلف حوادث فتنه‌گون اخیر به بهانه فوت مهسا امینی پرداختند و ضمن ابراز تاسف از مرگ این دختر جوان با این جمله که «حادثه تلخی بود، دل ما هم سوخت»، در باره پشت صحنه طراحی آن فرمودند: «این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی شده بود. اگر قضیه‌ی این دختر جوان هم نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست می‌کردند برای اینکه امسال در اوّل مهر به دلیلی که عرض خواهم کرد، در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده به صراحت می‌گویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عمّله و مزدوران و حقوق‌بگیران آنها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به اینها کمک کردند».

در این باره می‌توان به سندی که پایگاه خبری [دکاردل](#) در گزارشی مفصل به قلم «کیت کلارنبرگ»، روزنامه نگار تحقیقی انگلیسی، با عنوان «روایت جنگ آنلین پنتاگون علیه ایران» برای هدایت اغتشاش‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱ ایران به بهانه مرگ خانم امینی در فضای مجازی توسط [پنتاگون](#) اشاره کرد. این گزارش که با زیر عنوان «از کلیک یک دکمه در آمریکا تا خشونت در

خیابان‌های تهران» به بررسی فرایند کارشناسی عملکرد رسانه‌های شبکه منسجم غربی- عبری - عربی و رسانه‌های فارسی‌زبان ضدانقلاب خارج‌نشین پرداخته است، توضیح می‌دهد که چگونه بخش «سایبری پنتاگون» با محوریت فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکایی در منطقه (سنتکام) با ارتشی از ربات‌ها و ترول‌ها به همراه همکاران و دنباله‌روهایی از انگلیس، عربستان سعودی و ایرانی‌های ضدانقلاب توانستند به وسیله دروغ‌های سازمان یافته علیه ایران انواع گزارش‌های آنلاین فیک را منتشر و به کمپین‌های وارونه‌نمای امثال خانم علی‌نژاد ضریب دهند. این روزنامه‌نگار تحقیقی انگلیسی مستند به این یافته معتقد است: «اعتراض‌های اخیر در ایران از خارج تحریک و مهندسی

شد». (<https://www.farsnews.ir/news/>، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱/۰۰۰۶۵۴)

## **بن‌بست راهبردی نظام سلطه در برابر جمهوری اسلامی؛ منشأ آشوب‌ها**

واقعیت آن است که منشأ اصلی آشوب‌های اخیر در ایران را بایستی در بن‌بست نظام سلطه در برابر جمهوری اسلامی ایران و حرکت رو به جلو کشور با نگاه تحولی دولت مردمی و انقلابی آقای رئیسی و اقدامات مهمی که تا کنون انجام داده است، جستجو کرد. با این نگاه، می‌توان گفت منشا

اشوب‌های اخیر به طراحی و کارگردانی آمریکا و اجرای دنباله‌روهای آن از گروهک‌های ضد ایرانی و ضد انقلابی خارج‌نشین تا عمله‌های اجاره‌ای کف میدان، دلایل زیر هستند:

## ۱. دستیابی جمهوری اسلامی به توانایی‌های راهبردی مانند داشتن

قدرت راهبردی در حوزه پدافندی، پهپادی و موشکی و همچنین، سایبری. جالب آنکه در سند امنیت ملی آمریکا از ایران به عنوان یکی از تهدیدهای اصلی و اولویت‌دار برای ایالت متحده نام برده شده است؛ زیرا ایران با دستیابی به توانایی‌های راهبردی، قادر به چالش کشیدن برتری آمریکا می‌باشد. در همین زمینه، چندی پیش فرمانده ستکام اعلام کرد که برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم، ایران برتری هوایی ما در سطح منطقه را به چالش کشانده است.

## ۲. به نتیجه نرسیدن مذاکرات احیای برجام: جمهوری اسلامی در

مذاکرات احیای برجام درصدد دستیابی به توافقی است که خلل‌های توافق سابق را نداشته باشد، به گونه‌ای که ضمن رفع تحریم‌های ضدایرانی، این اطمینان برای ایران ایجاد شود که طرف مقابل از توافق جدید خارج نخواهد شد. طرف مقابل با این خواسته ایران مخالف است و درصدد است تا توافقی

را به ایران تحمیل کند که حاوی این دو ویژگی نباشد تا هر وقت خواست از آن خارج شود و هیچ تضمینی هم بابت رفع مؤثر تحریم‌ها به ایران ندهد. نکته مهم درباره احیای برجام، همانند برجام، آن است که نوع نگاه طرف مقابل به احیای برجام، مبتنی بر ملاحظات سیاسی و امنیتی آنها می‌باشد؛ بدین ترتیب که آنها درصدد هستند تا با انعقاد توافق با ایران و ندادن تعهد و تضمین، ضمن قرار دادن ایران زیر نظام‌های شدید نظارتی، اجرای توافق جدید را منوط به پذیرش ایران برای ورود به مذاکرات دفاعی و منطقه‌ای کنند؛ یعنی هراسی را که در بالا به آن اشاره شد می‌خواهند از طریق توافق برای خود مرتفع کنند. در این میان جمهوری اسلامی ایران با اتکا به تجربه برجام و متکی به رویکرد تحولی دولت سیزدهم مبتنی بر معطل نگذاشتن کشور برای برجام و گشایش‌های خارجی، مصمم است تا مانع از تکرار خسارت محضی شود که در گذشته ماهیت آن روشن شده است.

### **۳. خلع سلاح غرب با توجه به رویکرد تحولی دولت سیزدهم: توجه به**

این نکته بسیار مهم است که دولت سیزدهم با فعال‌سازی گزینه‌های جایگزین برجام در روابط خارجی که پیش از این بدانها اشاره کرده‌ایم، و همچنین دقت در اتکا به ظرفیت‌های داخلی و تقویت حیات تولید در کشور درصدد است تا برگه‌های بازیگری غرب در مقابل جمهوری اسلامی ایران را بی‌اعتبار



سازد. قابل ذکر است که غرب دو برگه بازیگری در مقابل ایران دارد که عبارت‌اند از: تحریم و سیاست‌های نگاه به بیرون برای حل مشکلات کشور که این دو وابستگی متقابل به همدیگر دارند. هم‌اکنون دولت سیزدهم با حاضر نشدن به تکرار مدل برج‌ام و در عین حال، فعال‌سازی گزینه‌های بدیل آن و همچنین، اتخاذ رویکرد تحولی در داخل برای افزایش درآمدهای دولت، برگه‌های مذکور را بی‌اعتبار ساخته است. در واقع، کنترل یا مهار ایران از سوی غرب منوط به حضور چهار عنصر هم‌زمان است:

۱. ضعف ایران در حوزه‌های راهبردی بویژه حوزه توانایی‌های راهبردی دفاعی؛

۲. تحریم و توافق (برجام)؛

۳. نخبگان معتقد به نگاه به بیرون برای حل مشکلات کشور؛

۴. یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور در روابط و سیاست خارجی.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، به نظر می‌رسد که غرب در حال از دست دادن تمامی این عوامل در قبال ایران است. بنابراین، آنها برای تحقق هدف کنترل ایران، بر دینامیسم‌ها و فضای تحولات داخلی ایران متمرکز هستند؛ بدین ترتیب که با به صحنه آوردن بخشی از بدنه اجتماعی غرب‌گرا در ایران با حمایت نخبگان غرب‌گرا (ضدانقلاب) و وانمود کردن اینکه اینها اکثریت

جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، جمهوری اسلامی را دچار اشتباه محاسباتی کنند تا بتوانند او را کنترل کرده و در بسته سیاسی و امنیتی خود مدیریت کنند.

درواقع، آنها با ایجاد آشوب و اغتشاش در داخل کشور در صدد هستند تا به جمهوری اسلامی القا کنند که اگر در مقابل آنها بخواهد بازیگری ای «قدرتمندانه و مستقل» داشته باشد و حاضر به تسلیم در برابر آنها نشود، باید با آشوب‌های داخل دست و پنجه نرم کند؛ آشوب‌هایی که حتی براحتی وارد فاز اقدامات مسلحانه و تروریستی نیز می‌شود.

## شگردهای دشمن در آشوب‌های کنونی

با توجه به اینکه آشوب‌های کنونی در قالب جنگ ترکیبی دشمن بویژه جنگ شناختی طراحی شده است، دشمن در این آشوب‌ها تا کنون از این شیوه‌ها و شگردها استفاده کرده است:

۱. **تمرکز بر علایق نسبتاً عمومی:** در این آشوب‌ها، نقطه شروع و تحریک بر بحث حجاب/بدحجابی متمرکز بود که می‌توان گفت بحثی است که فراگیری نسبی دارد و درواقع، با علایق بخش‌هایی از جامعه پیوند دارد. به

همین دلیل بود که در این آشوب‌ها، شاهد حضور جوانان و دانشجویان بوده و هستیم.

**۲. استفاده از تاکتیک جاذبه ترس:** بدین ترتیب که با حمله به نیروهای مسلح و بسیجیان و همچنین برخی اقشار مذهبی و حزب‌اللهی در صدد هستند تا با ایجاد ترس کافی نزد آنها، مانع از اقدامات حمایتی آنها از کشور و نظام شوند.

**۳. موج‌سواری بر هیجان و احساسات جوانان:** این موضوع با توجه به حضور جوانان و همراهی برخی از آنها با آشوب‌گران انجام می‌شود. این امر دلایل مختلفی دارد که بصورت خلاصه می‌توانیم بگوئیم که دشمن با موج‌سواری بر مشکلات اقتصادی، مساله گسست نسبی نسلی و سایر شکاف‌های اجتماعی از جمله شکاف‌های قومی، مذهبی و جنسیتی موجود در کشور، تلاش کرده تا جوانان و نوجوانان را در برابر نظام قرار دهد.

**۴. تمرکز بر مناطق مرزی:** در این زمینه می‌توان به دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان اشاره کرد. قابل ذکر است که این استان‌ها به زعم و تحلیل دشمنان انقلاب، هم از نظر مذهبی و هم قومی با جمهوری اسلامی ایران شکاف دارند و می‌توان زمینه‌های ناآرامی و خشونت را در آنها تقویت و از آنها بهره سیاسی گرفت. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب، کردها

و بلوچ‌ها را جزو اصیل‌ترین و پیشروترین اقوام ایرانی ذکر کردند که هیچ‌گاه ضدایران نبوده و بلکه در مقابل طراحی‌های دشمنان ایستاده و هزینه داده‌اند. اما در این وقایع، دشمن تلاش دارد تا با تحریک حساسیت‌های قومی و مذهبی مردم در این مناطق، مسأله‌آفرینی کند. هر چند همانگونه که ملاحظه می‌شود، قاطبه مردم در این دو استان با آشوب‌گران اجاره‌ای همراهی نکرده‌اند.

## ۵. تمرکز بر اختلاف‌افکنی‌ها و دوگانه‌سازی‌ها: این موضوع از شگردهای

نشان‌دار دشمنان انقلاب از بدو انقلاب تا کنون بوده است. دشمنان با ساختن دوگانه‌هایی همچون شیعه - سنی، بی‌حجاب - باحجاب، مخالف امر به معروف - موافق امر به معروف، طرفدار مردم - طرفدار حکومت و ... به دنبال تقویت اختلافات و تداوم اغتشاشات است. بدون تردید، این امور در راستای راهبرد کلان‌تر ایجاد درگیری میان مردم با استفاده از الگوهای همانند سوریه و لیبی تعریف می‌شود. نمونه بارز اختلاف‌افکنی‌ها میان شیعه و سنی را در حمله تروریستی حرم احمد بن موسی (ع) دیدیم که در آن دشمن تلاش کرد تا در سطح رسانه‌ای این‌گونه القا کند که این اقدام در پاسخ به وقایع اخیر زاهدان صورت گرفته و بر همین اساس، تلاش شد تا بار دیگر زاهدان درگیر آشوب شود که با عدم‌همراهی افراد موثر و با نفوذ استانی این توطئه

خشتی شد. در همین راستا، باید به جای دوگانه‌های اختلاف‌انگیز و آب به آسیاب دشمن‌ریز فوق‌الاشاره، باید مردم و جامعه جوان مخاطب را بر دوقطبی‌هایی همانند ایران امن - ایران ناامن، ایران قوی و یکپارچه - ایران ضعیف و چندپاره که در لایه‌های عملیات روانی و رسانه‌ای دشمنان به عمد مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد توجه داد و بافته‌های دشمنان را خشتی ساخت.

## ۶. ذره‌ای و فرسایشی کردن آشوب: موج سهمگین آشوب اگرچه کنترل

شده است، اما دشمن با ایجاد آشوب‌های نقطه‌ای (ذره‌ای) تلاش دارد تا ضمن زنده نگهداشتن خط اغتشاش و درگیرسازی توان امنیتی کشور، آن را دچار فرسایش کند تا در صورت لزوم، بتواند ضربه سهمگینی به کشور وارد سازد. شایان ذکر است که دشمن با ذره‌ای و فرسایشی کردن آشوب و ایجاد خسارت‌هایی که از نظر امنیتی فاقد ارزش تلقی می‌شوند، درصدد است تا گزاره «ناتوانی نظام در کنترل و مقابله با آشوب» را به لحاظ روانی برای جامعه جا بیندازد که باید مسئولان امر به این موضوع توجه جدی نمایند.

## ۷. تلاش برای کسب حمایت‌های بین‌المللی: اتفاقاتی مانند تجمع در برابر

سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای دیگر بویژه فراخوان برای تجمع همه ضدانقلاب در برلین را می‌توان به دو منظور دانست؛ ابراز وجود و اثبات اینکه ما هستیم و تلاش برای جلب توجه و حمایت بین‌المللی. این در حالی است

که بالا بردن حدود ۱۶ پرچم شامل همجنس‌گرایان، تجزیه‌طلبان مناطق قومی، گروهک‌های مذهبی تا منافقین و سلطنت‌طلبان و ... که کارشان در همه تجمعات به نزاع و درگیری کشیده است، حکایت از تلاش بیهوده نظام سلطه برای آترناتیوسازی جمهوری اسلامی دارد. چرا که علاقمندان و دلسوزان ایران به واقعیت ماهیت این حرکت از سوی آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای‌اش پی بردند که آنها جزء به تجزیه و چند پاره کردن ایران قوی و مستقل امروز رضایت نخواهند داد.

**۸. فشارهای مکمل سیاسی:** در این زمینه می‌توان به اقداماتی مانند تلاش برخی آشوب‌گران برای جلب حمایت سایر کشورها جهت اخراج سفیران جمهوری اسلامی یا طرح شایعات و فضا سازی پیرامون حذف تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی از سوی فیفا را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد.

تشریح تاکتیک‌ها و شگردهای دشمن در آشوب‌ها نشان از پیچیده و ترکیبی بودن آنها دارد. با این حال، دشمن در این آشوب‌ها بیش از هر چیزی درصدد ادراک‌سازی و دروابع، کانالیزه کردن ادراکات عمومی و نخبگی در ایران است؛ بدین ترتیب که با فشار عملی (آشوب) در کنار فشار اقتصادی و روانی (جنگ شناختی) درصدد است تا این باور را در ناخودآگاه ذهن ایرانیان حک کند که «جمهوری اسلامی به پایان خط رسیده و دیگر نمی‌تواند

چشم‌انداز روشنی را برای ملت ایران رقم بزند». این در حالی است که مقایسه خدمات انقلاب و جمهوری اسلامی به ایران عزیز در طول این چهار دهه از تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر نظام پادشاهی گذشته به اعتراف و اذعان راهبردهشناسان آمریکایی بیشتر و پیشبرنده‌تر بوده است. از همین روی است که رهبر معظم انقلاب، علت‌العلل دشمنی آمریکا و اقدامات دنائت‌آمیز اخیرشان در ناامن کردن کشور را به دلیل عصبانیت از پیشرفت ایران تحلیل می‌کنند و در واقع، این اقدامات مستاصلانه را انتقام از جمهوری اسلامی، مسئولان زحمت‌کش و البته مردم انقلابی می‌دانند که نقش مردم بیش از سایرین بوده و جداگانه قابل بررسی است.

### **نقش مردم در خنثی‌سازی آشوب‌های اخیر**

همانگونه که گفته شد، قطعاً تمام سرمایه‌گذاری دشمن در ایجاد این آشوب‌ها، معطوف به صحنه آوردن مردم و قرار دادن آنها در مقابل همدیگر و در مقابل نظام است. تا این زمان، این نقشه نقش بر آب شده است؛ زیرا قاطبه مردم فهیم و بصیر ایران با درک توطئه دشمن، علی‌رغم نارضایتی‌هایی که دارند، با آشوب‌ها همراهی نکرده‌اند.

با این وجود، دشمن هنوز ناامید از اغفال مردم نیست و با تداوم آشوب‌های ذره‌ای و فرسایشی کردن آنها درصدد است تا باور به سرنگونی و پایان کار نظام را نزد مردم تقویت کند. از این طریق دشمن درصدد است تا از یک سو نیروهای مدافع نظام را دچار انفعال کند و از سوی دیگر، اپوزیسیون منفعل را فعال و امیدوار کند که اگر پای کار براندازی بیایند، می‌توانند کار نظام را یکسره کنند.

مهمترین نکته در این زمینه آن است که همانگونه که کانون توطئه دشمن معطوف به مردم است، در نقطه مقابل نیز کانون خنثی‌سازی توطئه دشمن نیز معطوف به مردم تعریف می‌شود؛ بدین ترتیب که با به صحنه آمدن مردم و دمیدن در «مارپیچ سکوتی» که دشمن ایجاد کرده است، باید تلاش شود تا به دشمن اثبات شود که مردم ایران نه با او همراهی می‌کنند و نه دچار تغییر محاسباتی و انفعال می‌شوند. در واقع، اگر دشمن می‌تواند جمعیت‌های ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفری را در نقاطی سازمان‌دهی کند و آنها را با انواع وعده‌های نامشروع در صحنه نگه دارد، در نقطه مقابل باید تلاش شود تا توده‌های مردم مؤمن و وفادار به انقلاب، نظام و کشور وارد صحنه شوند تا بساط آشوب را همانند فتنه ۸۸ جمع کنند. راهپیمایی سراسری روز جمعه (۱۴۰۱/۸/۶) در محکومیت حمله تروریستی در حرم احمد بن موسی (ع) یک چشمه از این انقلاب



مردمی بود که نشان داد که ملت ایران قادر به در هم شکستن مارپیچ سکوتی هستند که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری جدی انجام داده است.

### نکته پایانی

آشوب‌های موجود اگر چه کنترل شده، اما قطعاً تمام نشده است. دشمن با زنده نگه داشتن فضای آشوب در کشور در تلاش است تا ضمن فرسایش و توان نیروهای حافظ امنیت، توده‌های انقلابی را نیز دچار انفعال کند. در این شرایط، به طور طبیعی، ضمن تلاش برای تقویت و نمایش انسجام مردم و نیروهای انقلابی، نسبت به توانایی نظام برای عبور از این آشوب‌ها به منظور روحیه دادن به توده‌های انقلابی باید اطمینان لازم ایجاد شود. در واقع، بایستی این اطمینان ایجاد شود که جمهوری اسلامی ناتوان از برخورد با آشوب‌گران نیست، اما کل راه‌حل مواجهه با این آشوب‌ها، سرکوب نیست؛ زیرا بخش عمده این آشوب‌ها ماهیت فتنه‌گون و روانی دارد و بایستی پرده‌ها کنار رود تا آنگاه خود مردم بساط آشوب‌ها را جمع کنند؛ راهبردی که به نظر می‌رسد در حال به بار نشستن است.

به عنوان نکته پایانی باید گفت که تلاش دشمن برای به آشوب کشیدن فضای داخلی ایران، به‌رغم گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب

اسلامی، نشان می‌دهد که در این برهه، آنچه تغییر کرده نه اصل دشمنی  
استکبار با دولت و ملت ایران، بلکه شیوه‌های آن بوده است. بنابراین،  
استکبارستیزی ملت ایران سیاست و نگاهی مستحکم و منطقی بوده و بایستی  
تداوم داشته باشد.